

کتاب دانیال - شماره بیست

دانیال اور مکاشفہ: سلطنتوں کے عروج و زوال کی نبوی بُنت کا انکشاف

Jeff Pippenger

2023-12-15

خواہر وایت غالباً اشارہ می کند کہ درس های نبوی ای که باید فهمیده شوند، در ظهور و سقوط پادشاهی ها به تصویر کشیده شده اند.

«از برآمدن و فرو افتادن ملت ها، چنان که در کتاب های دانیال و مکاشفہ آشکار شده است، باید بیاموزیم که جلال صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی ارزش است. بابل، با همه قدرت و شکوهش، که جهان ما از آن زمان تاکنون همانندش را هرگز ندیده است—قدرت و شکوهی که به نظر مردم آن روزگار چنان استوار و پایدار می نمود—تا چه حد به کلی از میان رفته است! همچون «گل علف»، نابود شده است. یعقوب 1:10. به همین سان، پادشاهی ماد و فارس، و پادشاهی های یونان و روم نیز نابود شدند. و چنین است فرجام هر آنچه خدا را بنیاد خویش ندارد. تنها آنچه با مقصود او پیوند یافته و شخصیت او را بیان می کند، می تواند پایدار بماند. اصول او تنها چیزهای استواری هستند که جهان ما می شناسد.» انبیا و پادشاهان، 548.

پیشگویی کے مطالعہ کے صحیح منہج میں اُن سلطنتوں کے ”عروج و زوال“ کو مرکزی اہمیت حاصل ہے جن کی نمائندگی دانی ایل اور مکاشفہ کی کتابوں میں کی گئی ہے۔ بابل کا سقوط، پیدائش کے گیارہویں باب میں نمرود کے بابل کے سقوط کی تمثیل میں ظاہر کیا گیا ہے۔ پھر دانی ایل کے پانچویں باب میں بابل دوبارہ گرتا ہے۔ سنہ 538 میں اقتدار تک پہنچنے اور پھر 1798 میں اس کے بعد آنے والے سقوط کی بابت پاپائیت کی تاریخ بھی بابل کے آخری سقوط کی تمثیل پیش کرتی ہے، کیونکہ نبوتی اعتبار سے پاپائی اقتدار روحانی بابل ہے۔ پاپائیت 1798 میں گری، اور مکاشفہ کا اٹھارہواں باب اس کے آخری سقوط کا خاکہ پیش کرتا ہے۔ دانی ایل کے گیارہویں باب کی پینتالیسویں آیت میں پاپائیت، جو وہاں شمال کے بادشاہ کے طور پر پیش کی گئی ہے، اپنے انجام کو پہنچتی ہے اور کوئی اس کی مدد کرنے والا نہیں ہوتا۔ یہ اُس وقت واقع ہوتا ہے جب مہلت آزمائش بند ہو جاتی ہے، کیونکہ گیارہویں باب کی پینتالیسویں آیت اور بارہویں باب کی پہلی آیت ایک ہی تاریخ کی نمائندگی کرتی ہیں۔

वह तौभी; करेगा खड़ा पर पर्वत पवतिर महिमामय उस बीच के समुद्रों तम्बू के राजमहल अपने वह और महान वह, मीकाएल समय उसी और होगा। न कोई करनेवाला सहायता उसकी और, पहुँचेगा को अनूत अपने, आएगा समय का संकट ऐसा और; होगा खड़ा उठ, है रहता खड़ा लयि के सन्तानों की लोगों तेरे जो, प्रधान लोग तेरे समय उसी और; हुआ नहीं कभी तक समय उस लेकर से आने में अस्तित्व के जात किसी जैसा । 11:45; 12:1 दानियेल जाए। पाया हुआ लखा में पुस्तक जो एक हर अर्थात्, जाएँगे छुड़ाए

پیام فرشتہ دوم بر این واقعیت بنا شده است که بابل دو بار سقوط کرده است. بابل واقعی، که نمرود و بلشصر نمایندگان آن بودند، دو بار سقوط کرد؛ و بابل روحانی در سال ۱۷۹۸ سقوط کرد و بار دیگر نیز، هنگامی که فرصت آزمایش انسان بسته می شود، سقوط خواهد کرد.

و فرشته ای دیگر از پی آمد و گفت: «بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است؛ همان شهری که همه امت ها را از شراب خشم زناى خود نشانید.» مکاشفہ ۱۴:۸

تکرار سقوط بابل در پیام فرشتہ دوم، توجیهی نبوی برای این شناسایی فراهم می آورد که دوچندان شدن واژگان و عبارات در سراسر کتاب مقدس، نمادی از پیام های متحد فرشتہ دوم و ندای نیمه شب است. همچنین این امر اصلی را که خواہر وایت مشخص ساخته است تأیید می کند؛ اصلی

که بر اساس آن، مطالعه نبوت باید بر صعود و سقوط پادشاهی‌هایی استوار باشد که در کتاب‌های دانیال و مکاشفه به تصویر کشیده شده‌اند. این مطلب آن مفهوم را نیز به تصویر می‌کشد که برای فهم سقوط بابل، دانشجوی نبوت باید همه سقوط‌های بابل را «حکم بر حکم» در کنار هم گرد آورد تا پیام نبوی درست سقوط نهایی بابل را برقرار سازد.

سقوط بابل مرتین في رسالة الملاك الثاني قائم على القاعدة النبوية التي تُقرّر أن الحق يثبت على شهادة شاهدين. وإن تكرار سقوط بابل داخل الرسالة يمثل المنهجية النبوية التي يعرفها الكتاب المقدس بأنها المطر المتأخر. تلك المنهجية المقدسة، التي هي المطر المتأخر، هي تطبيق جمع خطوط نبوية متنوعة معاً «سطراً على سطر». وعندما يستخدمها دارس النبوة، فإن هذه المنهجية تُثبت «رسالة» المطر المتأخر. ورسالة المطر المتأخر التي تتأسس من خلال تطبيق تلك المنهجية المقدسة، تُنادي بعد ذلك في التواريخ النبوية المترابطة للملاك الثاني وصرخة منتصف الليل. وكان هذا صحيحاً في تاريخ حركة الملك الأول، وهو صحيح اليوم أيضاً، في تاريخ حركة الملك الثالث.

باب‌های چهار و پنج کتاب دانیال، خط تاریخ را نمایندگی می‌کنند که برخاستن و آغاز بابل را در بر می‌گیرد، که در باب چهار به وسیله نبوکدنصر نمایانده شده است، و سپس سقوط و پایان بابل را، که در باب پنج به وسیله بلشصر نمایانده شده است. این دو با هم یک خط نبوتی را پدید می‌آورند. خط نبوتی‌ای که از این دو باب پدید می‌آید، باید بر فراز باب‌های یک تا سه دانیال نهاده شود تا پیام باران آخر برقرار گردد.

این دو فصل، سقوط و برخاستن دوباره نبوکدنصر و نیز سقوط و هلاکت بلشصر را ارائه می‌کنند؛ و از این رو سقوط بابل را در آغاز و پایان آن رشته به نمایش می‌گذارند. خط نبوتی‌ای که این دو فصل پدید می‌آورند، بر این ساختار بنا شده است که بابل سقوط می‌کند، برمی‌خیزد، و سپس بار دیگر سقوط می‌کند. همین واقعیت به تنهایی نشان می‌دهد که آن دو فصل نمایانگر پیام فرشته دوم هستند. این دو فصل تاریخ حیوان زمین مکاشفه سیزده را بازنمایی می‌کنند، و در آن تاریخ، پیام فرشته دوم و فریاد نیمه شب دو بار اعلان می‌شود.

پس، پیش از آن که بررسی خود را از فصل‌های چهار و پنج دانیال آغاز کنیم، روش‌شناسی مقدسی را که همان باران آخر است، شناسایی خواهیم کرد، و سپس با به کارگیری آن روش‌شناسی، پیام باران آخر را شناسایی خواهیم نمود.

یکی از نشانه‌های مهم در تاریخ فرشته اول و دوم، روش‌شناسی‌ای بود که در قواعد تفسیر نبوی ویلیام میلر نمود یافته است. آن قواعد به وسیله مردان برای شناسایی پیام فریاد نیمه شب به کار گرفته شد، و آن پیام، پیام باران آخر برای آن تاریخ بود. یکی از نشانه‌های مهم در تاریخ فرشته سوم، روش‌شناسی‌ای است که با عنوان «کلیدهای نبوی» معرفی می‌شود. این قواعد باید همراه با قواعد ویلیام میلر به کار گرفته شوند تا پیام فریاد نیمه شب در تاریخ کنونی ما شناسایی گردد، و پیامی که اکنون به وسیله آن قواعد در حال استقرار است، پیام باران آخر ایام آخر است. قواعد میلر نمایانگر باران اول در تاریخ نبوی حیوان زمین است، و آن قواعد در ترکیب با «کلیدهای نبوی» نمایانگر باران آخر در تاریخ نبوی حیوان زمین هستند.

باران آخر، روشی است که برای پدید آوردن پیام به کار گرفته می‌شود. کسانی هستند که فریب می‌خورند، زیرا در پی تجربه باران آخرند، بی‌آنکه نخست در پی پیامی باشند که آن تجربه را پدید می‌آورد. کلیساهای پنتیکاستی مسیحیت نمونه‌ای آشکار از آن فریب‌اند. همان نوع جهت‌گیری گمراه‌کننده برای کسانی نیز در دسترس است که هرچند در پی پیام باران آخر هستند، از جستن روشی که پیام باران آخر را شناسایی و استوار می‌سازد، سر باز می‌زنند. بدون روش درست، پیام درست را نمی‌توان شناسایی کرد. بدون پیام درست، تجربه درست ناممکن است.

اهمیت این حقیقت کتاب مقدسی از نظر اکثر مردم پنهان مانده است، زیرا آنان هرگز این امکان را در نظر نگرفته‌اند که برای مطالعه کتاب مقدس یک راه درست وجود دارد و راه‌های نادرست بسیاری نیز برای مطالعه آن هست. راه نادرست مطالعه کتاب مقدس، که به مراتب پیش از همه برگزیده می‌شود، این است که انسان به دیدگاه‌های دیگران درباره آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد اعتماد کند. این مسئله در میان مردم چنان رایج است که هر کلیسا برای پاسخ‌گویی به این نیاز به غلط تصور شده گله خود، نظامی ترتیب می‌دهد. این نیاز کاذب، کار کاذب برپا ساختن نظامی از رهبران را پدید می‌آورد که به عنوان کارشناسان روحانی فهم کتاب مقدس شناخته می‌شوند تا فهم گله تعلیم‌نندیده را به درستی هدایت کنند. کتاب مقدس برای ساختار کلیسا نظامی بسیار منظم را معرفی می‌کند که شامل مشایخ، انبیا و معلمان است، اما کتاب مقدس هرگز آن فساد سازمان کلیسا را تأیید نمی‌کند که نظامی از رهبران پدید می‌آورد که مقرر شده‌اند تشخیص دهند چه چیزی حقیقت هست یا نیست، و پس از آن، چه کسی بدعت‌گذار هست یا نیست.

کوشش کن تا خویشتن را مقبول خدا ظاهر سازی؛ کارگری که راستی را به درستی تقسیم می‌کند و از شرمساری ندارد. دوم تیموتائوس ۲:۱۵

हुए समझाते, हुए देते चेतावनी वरिद्ध के वालों देने बढ़ावा उन्हें और शक्तिषाओं झूठी को अगुवे के कलीसिया एक के परमेश्वर को आप अपने "को प्रत्येक से मैं हम परन्तु; चाहिए देना पहरा हुए देते शक्तिषा और हुए देते ताड़ना है। लाना" में काम से रीतठीक को वचन के सत्य और, "है करना" परशिरम लयि के ठहराने ग्रहणयोग्य सामने वभिजति से रीतठीक को वचन के सत्य बाइबल जसै है आवश्यक जानना को पद्धत उस हमे, समय करते ऐसा है करती प्रसतुत में संदर्भ के वर्षा पछिली को वषियों इन पुस्तक की यशायाह है। ठहराती मार्ग उचति का करने करेंगे। से वहीं आरम्भ अपना हम अतः

در آن روز، خداوند با شمشیر سخت و عظیم و نیرومند خویش، لویاتان، آن مار گریزان، یعنی لویاتان، آن مار پیچان را کیفر خواهد داد؛ و اژدهایی را که در دریاست، خواهد کشت. در آن روز، برای او بسرایید: «تاکستان شراب سرخ.» من، خداوند، نگهبان آن هستم؛ هر لحظه آن را آبیاری خواهم کرد؛ مبدا کسی به آن آسیب رساند، شب و روز آن را محافظت خواهم نمود. غضب در من نیست؛ کیست که خارها و خس‌ها را در جنگ در برابر من بگذارد؟ از میان ایشان خواهم گذشت، و همگی را با هم خواهم سوزانید. یا بگذار به قوت من تمسک جوید، تا با من صلح کند؛ و با من صلح خواهد کرد. او سبب خواهد شد که آنان که از یعقوب‌اند، ریشه بدوانند؛ اسرائیل شکوفه خواهد آورد و غنچه خواهد زد، و روی جهان را از میوه پر خواهد ساخت. آیا او را چنان زده است که زندگان او را زده بود؟ یا آیا او چنان کشته شده است که کشته‌شدگان به دست او کشته شدند؟ به اندازه، هنگامی که شاخه می‌زند، با آن محاکمه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد سخت خود را بازمی‌دارد. پس بدین‌وسيله گناه یعقوب زدوده خواهد شد؛ و تمامی ثمره، در برداشتن گناه او این است: هنگامی که همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های گچ که خرد و متلاشی شده‌اند، بسازد، و اشیره‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. با این همه، شهر مستحکم ویران خواهد شد، و مسکن متروک گردیده، چون بیابان رها خواهد شد: در آنجا گوساله خواهد چرید، و در آنجا خواهد خوابید، و شاخه‌های آن را خواهد خورد. چون شاخه‌هایش خشک شوند، شکسته خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را به آتش می‌کشند؛ زیرا این قومی بی‌فهم‌اند؛ از این رو، آن که ایشان را آفرید، بر ایشان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت داد، بر آنان رأفتی نشان نخواهد داد. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند، از مجرای نهر تا وادی مصر، خوشه‌ها را خواهد تکاند، و شما، ای بنی‌اسرائیل، یک‌یک گرد آورده خواهید شد. و در آن روز واقع خواهد شد که کرنای بزرگ نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور آماده هلاک بودند، و رانده‌شدگان در سرزمین مصر، خواهند آمد و خداوند را بر کوه مقدس در اورشلیم عبادت خواهند نمود. اشعیا ۱۳-۲۷:۱.

در مقالات پیشین، بارها به «درفش»ی پرداخته‌ایم که برافراشته می‌شود تا دیگر فرزندان خدا را از بابل فراخواند. آخرین آیه باب بیست‌وهفتم اشعیا، به کار درفش اشاره می‌کند، آنجا که می‌گوید: «و در آن روز، کرنای عظیم نواخته خواهد شد، و آنان که در سرزمین آشور آماده هلاک بودند، خواهند آمد.» آشور در ایام آخر نمادی از بابل است، و آنان که در این آیه پیام هشدار خروج از بابل را می‌شنوند، می‌آیند و با کسانی که به گونه‌ای نبوی به عنوان یکصد و چهل و چهار هزار تن در «کوه مقدس در اورشلیم» قرار داده شده‌اند، عبادت می‌کنند.

آیه می‌گوید: «و در آن روز واقع خواهد شد.» «آن روز» که روزی است که در آن صدای دوم مکاشفه باب هجده، دیگر فرزندان خدا را از بابل فرا می‌خواند، زمینه تمام این باب را تشکیل می‌دهد. صدای دوم مکاشفه باب هجده، در هنگام قانون یکشنبه ندا برمی‌آورد، آنگاه که فاحشه صور به یاد آورده می‌شود.

اور میں نے آسمان سے ایک اور آواز سنی، جو کہہ رہی تھی، اے میرے لوگو، اس میں سے نکل آؤ، تاکہ تم اس کے گناہوں میں شریک نہ ہو جاؤ، اور تاکہ تم اس کی آفتوں میں سے نہ پاؤ۔ کیونکہ اس کے گناہ آسمان تک پہنچ گئے ہیں، اور خدا نے اس کی بدکاریاں یاد کی ہیں۔ مکاشفہ 18:4، 5.

باب بیست‌وهفتم اشعیا با مشخص ساختن همان روزی آغاز می‌شود که فصل نیز با آن پایان می‌یابد، آنگاه که می‌گوید: «در آن روز، خداوند با شمشیر سخت و عظیم و زورآور خویش، لویاتان، آن مار گریزان، یعنی همان لویاتان، آن مار پیچان، را مجازات خواهد کرد؛ و اژدهایی را که در دریاست خواهد کشت.»

در قانون یکشنبه، دآوری اجرایی و جزایی خدا بر پادشاهی‌های اژدها (سازمان ملل متحد)، وحش (پاپیت) و نبی کاذب (ایالات متحده) آغاز می‌شود. در قانون یکشنبه، نبی کاذب به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس سرنگون می‌گردد، و ارتداد ملی، خرابی ملی را به بار می‌آورد. قانون یکشنبه همان نقطه‌ای است که دآوری‌های اجرایی خدا آغاز به فرود آمدن بر اژدها می‌کند، که همان شیطان است (و پادشاهی زمینی او به صورت اژدها نمایش داده شده است)، و نیز بر وحش و نبی کاذب. این مجازاتی تدریجی است که از قانون یکشنبه آغاز می‌شود. آغاز و پایان باب بیست‌وهفتم اشعیا، قانون یکشنبه است، و این باب مسائل معینی را بازنمایی می‌کند که مستقیماً با تاریخی مرتبطاند که به قانون یکشنبه منتهی می‌شود و پس از آن ادامه می‌یابد.

ما در حال بررسی فصل بیست‌وهفتم هستیم، زیرا این فصل چارچوب نبوی فصل‌های بیست‌وهشت و بیست‌وننه را برقرار می‌سازد. در آن فصل‌ها، تعریف باران آخر به مثابه یک روش‌شناسی را خواهیم یافت؛ امری که به ما امکان خواهد داد اهمیت منطبق ساختن فصل‌های چهار و پنج دانیال بر فصل‌های یک تا سه دانیال را درک کنیم. پس از آن که فصل بیست‌وهفتم اشعیا آغاز مجازات تدریجی پادشاهی اژدها را مشخص می‌سازد، او ثبت می‌کند که در آن مقطع زمانی، به قوم خدا فرمان داده می‌شود که «برای او بسرایید.» برای که بسرایید؟

جواب اینکه برای چه کسی باید سرود خوانده شود، در عنوان این سرود آمده است، زیرا ایشان باید «سرود تاکستان شراب سرخ را که خداوند از آن محافظت می‌کند» بخوانند. داستان تاکستان، داستان قوم خداست، و اشعیا نخستین بار در باب پنجم از آن یاد می‌کند.

اکنون برای محبوب خویش، سرودی درباره تاکستان محبوبم خواهم سرایید. محبوب من تاکستانی داشت بر فراز تپه‌ای بسیار حاصلخیز. و آن را حصار کشید، و سنگ‌هایش را از آن بیرون آورد، و آن را به بهترین نوع مو کاشت، و در میانش برجی بنا کرد، و نیز در آن چرخشت ساخت؛ و انتظار داشت که انگور بیاورد، اما انگور وحشی بار آورد. و اکنون، ای ساکنان اورشلیم و ای مردان یهودا،

تمنا دارم میان من و تاکستانم داوری کنید. دیگر چه می‌شد برای تاکستانم انجام داد که من در حق آن نکرده باشم؟ پس چرا، هنگامی که انتظار داشتم انگور بیاورد، انگور وحشی بار آورد؟ و اکنون بیایید، شما را آگاه می‌سازم که با تاکستانم چه خواهم کرد: حصارش را برخواهم داشت تا خورده شود، و دیوارش را فروخواهم ریخت تا پایمال گردد. و آن را ویران خواهم ساخت؛ نه هرس خواهد شد و نه بیل خواهد خورد، بلکه خارها و خس‌ها در آن خواهد رویید؛ و همچنین به ابرها فرمان خواهم داد که بر آن باران نبارانند. زیرا تاکستان یهوه صبايوت، خاندان اسرائیل است، و مردان یهودا نهال دلپذیر اویند؛ و او انتظار انصاف داشت، اما اینک ستم؛ انتظار عدالت داشت، اما اینک فریاد. اشعیا ۵:۱-۵.

در تاریخ بحران قانون یک‌شنبه، قوم خدا باید سرود تاکستان را برای قوم خدا بسرایند، زیرا سرود می‌گوید: «و الآن، ای ساکنان اورشلیم و ای مردان یهودا، استدعا دارم که در میان من و تاکستانم داوری کنید.» سرود تاکستان، سرودی است که کنار گذاشته شدن یک قوم عهد پیشین را مشخص می‌سازد، در حالی که خدا با کسانی داخل عهد می‌شود که پطرس درباره آنان می‌گوید: «که در زمان گذشته قومی نبودید، اما الآن قوم خدايید.» این سرود نشان می‌دهد که هیچ بارانی بر تاکستان نباریده است، و بدین‌سان خدمت ایللیا را که در آن دوره زمانی می‌آید مشخص می‌سازد، و اینکه تنها اوست که در طی آن دوره می‌تواند باران را پدید آورد. ما می‌دانیم که این سرود درباره کنار گذاشته شدن یک قوم عهد است، زیرا سرود تاکستان از سوی مسیح برای اسرائیل باستان سروده شد، در دوره‌ای که از اسرائیل باستان عبور می‌شد، در حالی که خدا به طور هم‌زمان با اسرائیل روحانی داخل عهد می‌گردید.

تمثیل دیگر بشنوید: صاحب‌خانه‌ای بود که تاکستانی غرس کرد و پیرامون آن حصار کشید و در آن چرخشتی کند و برجی بنا نهاد، و آن را به باغبانان سپرد و به سفری دور رفت. و چون هنگام میوه نزدیک شد، خادمان خود را نزد آن باغبانان فرستاد تا ثمر آن را بگیرند. اما باغبانان خادمان او را گرفته، یکی را زدند و دیگری را کشتند و آن دیگری را سنگسار کردند. باز خادمان دیگری، بیش از نخستینان، فرستاد، و با آنان نیز همان کردند. و سرانجام پسر خود را نزد ایشان فرستاد و گفت: «پسرم را حرمت خواهند داشت.» اما چون باغبانان پسر را دیدند، با خود گفتند: «این وارث است؛ بیایید او را بکشیم و میراثش را تصرف کنیم.» پس او را گرفتند و از تاکستان بیرون افکندند و کشتند. پس چون مالک تاکستان بیاید، با آن باغبانان چه خواهد کرد؟ به او گفتند: «آن مردمان شریر را به سختی هلاک خواهد کرد و تاکستان خود را به باغبانان دیگری خواهد سپرد که میوه‌های آن را در موسم‌هایش به او بدهند.» عیسی بدیشان گفت: «آیا هرگز در کتب نخوانده‌اید که: سنگی که بنایان رد کردند، همان سر زاویه شده است؛ این از جانب خداوند است و در نظر ما شگفت‌انگیز؟ از این رو به شما می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته خواهد شد و به امتی داده خواهد شد که میوه‌های آن را بیاورد. و هر که بر این سنگ بیفتد، شکسته خواهد شد؛ اما هر که این سنگ بر او بیفتد، او را خرد و خاکستر خواهد کرد.» و چون رؤسای کاهنان و فریسیان تمثیل‌های او را شنیدند، دریافتند که درباره ایشان سخن می‌گوید. متی ۲۱:۳۳-۴۵.

هنگامی که عیسی سرود تاکستان خدا را برای اسرائیل باستان خواند، آنان چنان در منطق و قوت این پیام مجذوب شدند که، چون عیسی از یهودیان مجادله‌گر پرسید صاحب تاکستان با کسانی که پسر را کشتند چه خواهد کرد، نتوانستند از دادن پاسخ درست خودداری کنند، آنگاه که گفتند: «او آن مردان شریر را به سختی هلاک خواهد کرد، و تاکستان خود را به باغبانان دیگری واگذار خواهد نمود، که میوه‌های آن را در موسم‌هایش به او خواهند داد.»

پس عیسی بی‌درنگ آیه‌ای دیگر بر آن سرود افزود، آنگاه که درباره سنگ مردودشده سرود، و پاسخ ایشان را با بند پایانی به هم پیوست، چون فرمود: «از این رو به شما می‌گویم، ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امتی داده خواهد شد که میوه‌های آن را بیاورند. و هر که بر این سنگ بیفتد، شکسته

خواهد شد؛ اما هر که این سنگ بر او بیفتد، او را کاملاً خرد خواهد کرد.» این عبارت «او را کاملاً خرد خواهد کرد» پژوهشی است از اشعیا بیست و هفت که می‌گوید «همه سنگ‌های مذبح چون سنگ‌های گچی که درهم کوبیده شوند خواهد شد؛ و اشیره‌ها و تمثال‌ها برپا نخواهند ماند.» هر دو اشاره به کار احیایی دارند که به وسیله یوشیا انجام شد؛ کسی که نماد آنان در ایام آخر بود که «هفت زمان» را از نو کشف می‌کنند، همان سنگ لغزش که کسانی را که از گران‌بها یافتن آن سر باز می‌زنند، درهم می‌شکند.

در روز قانون یک‌شنبه، چنان‌که در باب بیست و هفتم اشعیا به تصویر کشیده شده است، آنان که «در زمان گذشته قومی نبودند» باید سرود تاکستان شراب سرخ خداوند را بسرایند. این مقالات بارها مشخص کرده‌اند که بدون پیام اول و دوم، پیام سوم وجود ندارد. قانون یک‌شنبه همان پیام سوم است، و روز قانون یک‌شنبه دربرگیرنده تاریخ پیام اول و دوم است. در باب بیست و هفتم اشعیا، قانون یک‌شنبه دوره‌ای را مشخص می‌کند که در باب اول دانیال به تصویر کشیده شده است، و سپس بار دیگر در باب‌های اول تا سوم دانیال. از نظر نبوتی، روز قانون یک‌شنبه در باب بیست و هفتم، تاریخ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را مشخص می‌کند؛ زمانی که پیام اول قوت یافت تا به قانون یک‌شنبه‌ای که به زودی خواهد آمد برسد.

در مقاله بعدی، بررسی خود را درباره سرودی که رستگاران باید در ایامی که به نقطه‌ای منتهی می‌شود که در آن فاحشه روم سرود خود را آغاز خواهد کرد، اعلام کنند، ادامه خواهیم داد.

و نگرستم، و اینک برّهای بر کوه صهیون ایستاده بود، و با او صد و چهل و چهار هزار تن که نام پدر او بر پیشانی‌های ایشان نوشته شده بود. و آوازی از آسمان شنیدم، همچون آواز آب‌های بسیار، و همچون آواز رعدی عظیم؛ و آوازی که شنیدم، آواز چنگ‌نوازانی بود که بر چنگ‌های خویش می‌نواختند. و ایشان سرودی تازه، چنان‌که گویی، در برابر تخت و در برابر آن چهار حیوان و مشایخ می‌سرودند؛ و هیچ‌کس آن سرود را نتوانست آموخت مگر آن صد و چهل و چهار هزار تن که از زمین بازخریده شده بودند. اینان‌اند که با زنان آلوده نشدند، زیرا باکره‌اند. اینان‌اند که هر جا برّه رود، او را پیروی می‌کنند. اینان از میان آدمیان بازخریده شدند تا نخستین میوه‌ها برای خدا و برای برّه باشند. و در دهان ایشان هیچ مکر یافت نشد، زیرا در برابر تخت خدا بی‌عیب‌اند. مکاشفه